

طراحی مدل مرجعیت علمی دانشگاه؛ شناسایی ابعاد و ارکان ♦ (مورد مطالعه: دانشگاه بین المللی امام رضا)

فاطمه کوشازاده¹
احمد اکبری²
علی معقول³
علی کوشازاده⁴
مهدی جباری⁵

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل مرجعیت علمی دانشگاه (دانشگاه بین المللی امام رضا) به عنوان مدلی بومی انجام شد. **روش:** در این پژوهش، روش تحقیق آمیخته اکتشافی در دو بخش کیفی و کمی استفاده شده است. در بخش کیفی برای شناسایی و استخراج مؤلفه‌های پژوهش، از دو روش مطالعه کتابخانه‌ای گسترده و فن دلفی استفاده شد و در بخش کمی، داده‌ها با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی شدند. **یافته‌ها:** پس از دستیابی به اجماع نظر 22 نفر از متخصصان و خبرگان دانشگاهی، مدل مرجعیت علمی دانشگاه در قالب پنج بُعد و 15 رکن طراحی شد. **نتیجه‌گیری:** تجزیه و تحلیل و اولویت‌بندی یافته‌ها نشان داد که از پنج بُعد زمینه‌ای، آموزشی، پژوهشی، مدیریتی - ساختاری و سرمایه انسانی، بُعد زمینه‌ای دارای رتبه اول اهمیت است. بنابر این، تحقق مرجعیت علمی دانشگاه، نیازمند بسترسازی مناسب فضای علمی دانشگاه، برنامه‌ریزی دقیق و سازماندهی صحیح امکانات و عوامل زمینه‌ای است.

واژگان کلیدی: مرجعیت علمی دانشگاه، طراحی مدل، روش تحقیق آمیخته، روش دلفی، فرایند تحلیل

سلسله‌مراتبی AHP.

♦ دریافت مقاله: 98/02/07؛ تصویب نهایی: 98/07/02

1. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور، نیشابور، ایران.
2. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی بردسکن. بردسکن، ایران (نویسنده مسئول) / نشانی: بردسکن، کیلومتر دوم جاده بردسکن - کاشمر / نمابر: 051-55426201 / Email: akbari.180@gmail.com
3. دکتری مدیریت بازرگانی، استادیار گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور، نیشابور، ایران.
4. دکتری مدیریت منابع انسانی، گروه مدیریت دانشگاه فردوسی. مشهد، ایران.
5. دکتری آمار، استادیار گروه آمار دانشگاه فردوسی. مشهد، ایران.

الف) مقدمه

مقوله علم و فناوری از مهم ترین زیرساختهای پیشرفت کشور و ابزار جدی رقابت در عرصه های مختلف است. تحقق آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی ایران، نظیر احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملتها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان، در گرو پیشرفتی همه جانبه در علم است. امکان ندارد پیشرفت کشور بر پایه ای جز پایه دانش و فناوری شکل بگیرد. توجه به علم و تبدیل آن به یکی از گفتمانهای اصلی جامعه و ایجاد فضای مساعد، شکوفا و مولد علم و فناوری بر مبنای آموزه های اسلامی و حرکت به سمت مرجعیت علمی، فرایندی است که رشد اقتصادی، اقتدار و عزت ملی و در نهایت، پیشرفت همه جانبه کشور و تشکیل تمدن اسلامی از جمله نتایج آن به شمار می آید. (قوام آبادی و همکاران، 1394: 5)

آهنگ و روند رشد تولیدات علمی و حرکت پویا در مرزهای دانش توسط دانشمندان و متخصصان جوان ایران اسلامی و کسب رتبه اول منطقه، آن هم 14 سال زودتر از افق سند چشم انداز، نشان از ظرفیت و غنای لازم تولیدات علمی دانشمندان ایران اسلامی دارد تا در آینده زبان آن، زبان علم دنیا شود و از مرجعیت علمی در دنیا برخوردار شود. بر همین اساس و با تأسی از رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی، می توان گفت که حفظ، تداوم و تقویت گفتمان تولید علم، از ضرورت های غیر قابل اجتناب و اولویتهای غیر قابل اغماض محافل و مجامع علمی است.

مدل مرجعیت علمی دانشگاه، مدلی بومی ایرانی اسلامی است که می تواند زمینه ساز بهره وری حداکثری در دانشگاه های ایران اسلامی باشد. با توجه به اینکه به لحاظ نظری و پژوهشی توجه اندکی برای مدل سازی مرجعیت علمی دانشگاه صورت گرفته است، دغدغه و مسئله اصلی پژوهشگر، در جهت پر کردن خلأ پژوهشی موجود؛ شناسایی ابعاد و ارکان مرجعیت علمی دانشگاه است.

در این پژوهش با هدف طراحی الگوی مرجعیت علمی دانشگاه، به دو سؤال پاسخ داده شده است:

- ابعاد و ارکان مرجعیت علمی دانشگاه چیست؟
- رابطه میان ابعاد و ارکان الگوی مرجعیت علمی دانشگاه چگونه است؟

ب) مبانی نظری و پیشینه پژوهش

1. مرجعیت و مرجعیت علمی

واژه اتوریته (Authority) با واژه اتور (Author) هم ریشه است. این مطلب بدین معناست که صاحب اقتدار و مرجعیت، منبع و منشأ چیزی است؛ به ویژه تصمیمات و قضاوت های افرادی که بر آنها مرجعیت اعمال می شود. اما در جهان مدرن که سلسله مراتب مورد توجه نیست، مفهوم مرجعیت نه با تمرکز بر مراجع، بلکه با تمرکز بر آنان درک می شود که بالقوه تحت تأثیر مرجعیت اند و به این دلیل، ماهیت مرجعیت تسلیم است. افرادی که در معرض مرجعیت قرار دارند، نسبت به پیامها و ارتباطات مراجع تسلیم اند. (بناهان و همکاران، 1391: 131)

در واقع؛ علمی که در عبارت مرجعیت علمی مد نظر است، برای اولین بار توسط مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه امام صادق به مناسبت عید غدیر مطرح شد (1384/10/29). به بیان رهبر انقلاب، تئوری پردازی‌های این علم در چارچوب ارزشی اسلام انجام می‌پذیرد و با نام علم دینی یاد می‌شود (گودرزی و رودی، 1390: 78). این واژه، مفهومی است که در راستای جنبش نرم‌افزاری، تولید علم و تمدن‌سازی، مطرح است. (قوم‌آبادی و همکاران، 1394: 8)

در تحقیق حاضر، مرجعیت علمی به نوعی پیشتازی در عرصه علم و برتری علمی اشاره دارد که باعث می‌شود جویندگان علم به جایگاهی که رتبه مرجعیت علمی را داراست، مراجعه کنند.

2. مرجعیت علمی ایران

در مرجعیت علمی، تبدیل شدن کشور به عنوان یکی از مراجع و قطبهای تولید علم جهان و مبدل شدن زبان فارسی به عنوان یکی از زبانهای مطرح علمی دنیا در پنجاه سال آینده مطرح است. با کسب مرجعیت علمی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند افزایش سهم آموزش در گسترش مرزهای دانش و افزایش سهم دانش بومی در تولید علم و فناوری داشته باشد (محمدی‌نژاد، 1390: 9). از آنجا که مرجعیت علمی به منشأ اثر بودن در جامعه در ابعاد علمی و اجرایی اشاره دارد، در نگاهی دیگر مرجعیت علمی را می‌توان به معنی قطع وابستگی علمی به تمدن غربی و بهره‌برداری بهینه از مجموعه منابع کشور برای حرکتی منظم و پیوسته از وضعیت موجود به جایگاه علمی آرمانی دانست.

3. نقش آموزش در تحقق مرجعیت علمی دانشگاه

در عرصه تحولات امروز که علم و دانایی بیرق آموزش را به دوش گرفته، شرط لازم برای توسعه و بالندگی کشورها همانا آموزش است (بالدوین،¹ 2015). ارتقای سطح دانش و معرفت و ابداع دانش نوین و انتقال این دانش و فنون در سطح پیشرفته (یونیزاوا،² 2013) به منظور نوسازی و تحولات عمیق در نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه، از کارکردهای اساسی آموزش به شمار می‌روند. (کولینز،³ 2016)

راهبردهای آموزشی تحقق مرجعیت علمی عبارتند از:

- اسلامی‌سازی علوم و تحکیم و تعمیق پیوند حوزه و دانشگاه؛
- پرهیز از تقلیدمحوری با الگوسازی از مفاخر ایرانی - اسلامی در عرصه علم؛
- تقویت جنبش نرم‌افزاری، تولید بومی علم به منظور خود کفایی و تحول در ارتقای علوم انسانی؛
- توسعه زبان فارسی به عنوان یکی از زبانهای علمی در سطح جهان؛
- تنظیم رابطه متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نیازها؛
- ایجاد فضای باز تولید علم و تفکر، ترویج نظریه پردازی، نقد، آزاداندیشی و مناظرات علمی؛

1. Baldwin
2. Yonezawa
3. Collins

110 ♦ طراحی مدل مرجعیت علمی دانشگاه: شناسایی ابعاد و ارکان

- اصلاح و بازنگری در آموزش در ابعاد مختلف از جمله: متون، برنامه و روشها و تدریس؛
- تربیت دانشجویان چندگرايشی و توسعه آموزشهای بین رشته‌ای؛
- آزادی علمی و استقلال عمل دانشگاهها برای تحقق رشد تفکر و نوآوری در جامعه؛
- افزایش حوزه‌های علمی تازه تأسیس برای نخستین بار در دنیا؛
- طراحی و استقرار نظام جامع استعدادیابی و هدایت تحصیلی به منظور هدایت دانشجویان به سوی رشته‌های علمی متناسب با استعدادها، علاقه‌مندی‌ها و توانایی‌های آنها و اولویتهای کشور؛
- تقویت و توسعه همکاری با دانشگاههای بزرگ و معتبر جهانی، به ویژه دانشگاههای جهان اسلام.

4. نقش پژوهش در مرجعیت علمی دانشگاه

موفقیت و توسعه هر دانشگاه یا مرکز آموزش عالی در گرو توجه متوازن به هر دو نقش بنیادی آموزش و پژوهش است و همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند؛ امروز یکی از دو، سه، کار اصلی و اساسی برای حفظ هویت، موجودیت، استقلال و آینده، مسئله تحقیق علمی است. کمیّت و کیفیت پژوهشهای دانشگاهی از مهم‌ترین معیارها برای پیشرفت علمی و تعالی دانشگاههاست (نعمان، 2015¹). پژوهش به عنوان موتور محرکه عرصه دانش، به نحو بهینه‌ای می‌تواند مأموریت مهم تولید علم را به انجام رساند. تحقیق و پژوهش از دو نظر می‌تواند رابطه بین علم و آموزش عالی با جهان عینی و واقعیت زندگی بشری را برقرار کند: اول اینکه، علم و دانش موجود را همزمان با تغییر و تحولات جوامع پیش برده و علم متناسب با نیازها و شرایط زندگی را تولید کند (تحقیقات بنیادی) و دوم اینکه، یافته‌های علمی را در عالم عینی و واقعی به منظور بهبود شرایط یا رفع مشکلات به طور علمی به کار گیرد (تحقیقات کاربردی) (داودزاده، 1392: 11). در واقع؛ جهت علمی در دانشگاه نباید صرفاً به سمت دریافت دانش باشد، بلکه باید در مسیر نیازها و اولویتهای بومی باشد.

راهبردهای پژوهشی مرجعیت علمی دانشگاه عبارتند از:

- ارتقای روحیه نشاط، امید، خودباوری، نوآوری نظام‌مند، شجاعت علمی و کار جمعی؛
- افزایش بودجه تحقیق و پژوهش و تصحیح سیستم توزیع اعتبارات پژوهشی دانشگاه؛
- حمایت از مالکیت فکری و معنوی، ثبت اختراعات و تکمیل زیرساختها و قوانین و مقررات؛
- ارتقای کیفی و کمی همایشها و کارگاههای علمی با رویکرد دستیابی به تحقق مرجعیت علمی؛
- تقویت ارتباط تحقیقات دانشگاهی با مراکز صنعتی و بازار کار و فرایند تبدیل ایده به محصول؛
- ساماندهی و تقویت نظامهای نظارت و ارزیابی؛
- تبادل و دیپلماسی علمی و اجرای تفاهم‌نامه‌ها و تحقیقات مشترک با مراکز علمی دنیا؛
- توسعه شرکتیهای دانش‌بنیان، ایجاد قطبهای پژوهشی و توسعه پژوهشگاهها؛

- تقویت زیرساختهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعه نظام فراگیر کامپیوتری؛
- تکریم و حمایت از نخبگان و اعطای امتیازات علمی بر اساس تولید علم ناب و جهش گونه.

5. نقش مدیریت و منابع انسانی دانش محور در تحقق مرجعیت علمی دانشگاه

هزاره سوم، هزاره توسعه دانش و حرکت سازمانها، نهادها و کشورها به سوی دانایی محوری است. مهم ترین رکن و محور توسعه را فرهنگ علمی و انسانی دانسته اند (خراسانی و همکاران، 1394: 5). منابع انسانی دانش محور نه تنها به دلیل کارشان، بلکه به خاطر آنچه می دانند، ارزش افزوده برای سازمان ایجاد می کنند و نقشی تعیین کننده در برجسته شدن آنها دارند (لی و مانورر¹، 1997). این منابع می توانند در سطح بین المللی بیندیشند و فکر کنند و در ارزش آفرینی و ایجاد مزیت رقابتی، برای سازمان مؤثر باشند. (تدین، 1384: 106)

نیروی انسانی به عنوان مهم ترین، گران ترین و با ارزش ترین سرمایه و منبع سازمانی، تنها عنصر ذی شعوری است که به عنوان هماهنگ کننده سایر عوامل سازمانی، نقش اصلی را بر عهده دارد. (سیدجوادی و تابان، 1396: 112)

6. مروری بر پژوهشهای انجام شده مرجعیت علمی

«بررسی عوامل دستیابی به مرجعیت علمی از دیدگاه استادان دانشگاه علوم پزشکی تبریز» توسط قمی و همکاران (1390) به روش پیمایشی انجام شد. یافته ها نشان داد گسترش ارتباط دانشگاه با محافل علمی برتر دنیا دارای بیشترین میانگین و توسعه فرهنگ خودباوری با دستیابی به علم و دانش پیشرفته و ایجاد نشاط علمی دارای رابطه معنادار است. همچنین مشخص شد سطح معناداری همبستگی بین توسعه فرهنگ خودباوری و دستیابی به علم و دانش پیشرفته، نشان دهنده تأثیر توسعه فرهنگ خودباوری بر کسب علم و دانش پیشرفته است و سطح معناداری همبستگی بین توسعه فرهنگ خودباوری و ایجاد نشاط علمی نشان دهنده تأثیر فرهنگ اعتماد به نفس بر ایجاد شور و نشاط علمی است.

در مطالعه گودرزی و رودی (1390) برای «تبیین مرجعیت علمی برای نهادهای علمی کشور»، با روش کیفی نظریه داده بنیاد، مشخص شد می توان مرجعیت علمی را در قالب هفت مقوله ویژگی، سطوح، نظام، هویت، مدیریت، محور و راهبرد تبیین کرد.

فیاض و افشارکهن (1390) نیز طی پژوهشی با استفاده از روش اکتشافی و منابع کتابخانه ای، به تشریح راهکارها و موانع فرهنگی دستیابی به مرجعیت علمی پرداختند.

حکمت افشار و همکاران (1392) به روش کیفی تحلیل مضمون، پژوهش «حیای رویکرد مرجعیت علمی: دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان» را انجام دادند که در نتایج آن، مفاهیم حرف آخر

112 ♦ طراحی مدل مرجعیت علمی دانشگاه: شناسایی ابعاد و ارکان

علمی را زدن، استناد دادن، ارجاع دادن، کرسی داشتن در علم، بومی‌سازی علم و قابل حصول بودن علم از دیدگاه دانشجویان برای احیای مرجعیت علمی مشخص شد.

«الگوی مرجعیت علمی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس بیانات مقام معظم رهبری» عنوان مطالعه‌ای است که توسط قوام‌آبادی و همکاران (1394) انجام و در آن، الگوی نظام‌مند فرایند مرجعیت علمی مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری ارائه شد.

مرجعیت عملی به عنوان پدیده محوری در تحقیق تابان و همکاران (1395/الف) با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران با رویکرد داده‌بنیاد» مطالعه و مشخص شد برای ایجاد آن باید به نظام انگیزش و پاداش، شایسته‌سالاری و فضای آزاداندیشی به عنوان عوامل انگیزاننده توجه داشت.

ج) روش پژوهش

اساس هر علمی، روش شناخت آن است. اعتبار و ارزش دستاوردهای یک پژوهش وابسته به روشی است که در آن به کار گرفته شده است. جهت‌گیری این پژوهش از جمله مطالعات کاربردی و از لحاظ راهبرد، از پژوهش‌های پیمایشی است که با استفاده از روش تحقیق آمیخته اکتشافی در دو بخش کیفی و کمی با هدف طراحی مدل مرجعیت علمی دانشگاه انجام شد. در بخش کیفی و مرحله نخست یا مقدماتی، برای استخراج مؤلفه‌های پژوهش از دو روش مطالعه کتابخانه‌ای گسترده و فن دلفی استفاده شد. در روش مطالعه کتابخانه‌ای با بررسی و مرور ادبیات و پیشینه مرتبط با مفهوم مرجعیت علمی، عوامل مؤثر بر مرجعیت علمی دانشگاه، ابعاد و ارکان آن در قالب مضمون‌های اولیه شناسایی شد. پس از مشورت با خبرگان و غربالگری و دسته‌بندی در سطوح مختلف، عوامل مهم مرجعیت علمی دانشگاه در قالب 131 مضمون ساماندهی شد. سپس بر اساس تکنیک دلفی در راند اول؛ تعداد 30 نفر از افراد صاحب‌نظر و خبیره دانشگاهی در زمینه مرجعیت علمی به روش نمونه‌گیری هدفمند شناسایی و پرسشنامه محقق‌ساخته در اختیار آنان قرار گرفت. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های برگشتی (22 پرسشنامه)، پاسخها سازماندهی، نظرات مشابه ترکیب، گروه‌بندی و موضوعات تکراری و حاشیه حذف و تا حد امکان پاسخها کوتاه شد. در راند دوم، از پرسشنامه دارای ساختار استفاده شد و از افراد مشابه در راند اول خواسته شد تا هر عنوان را با استفاده از مقیاس لیکرت رتبه‌بندی و به عبارتی، کمی‌پذیر کنند. در اینجا موارد توافق و عدم توافق مشخص شد و فضایی برای شناسایی ایده‌های جدید، تصحیح، تفسیر، حذف و توضیح قدرت و ضعف آنها به وجود آمد. در راند سوم با هدف دستیابی به بیشترین و مناسب‌ترین اطلاعات درباره پدیده مورد بررسی، پرسشنامه مجدد بین اعضای پانل توزیع و پس از جمع‌آوری، بازنگری و آنالیز و پالایش و اصلاح شد که پس از دستیابی به کفایت نظری (اشباع) به پایان رسید و مؤلفه‌های مرجعیت علمی دانشگاه از دیدگاه متخصصان و خبرگان دانشگاهی شناسایی و دسته‌بندی شد و مدل نهایی مرجعیت علمی دانشگاه در قالب 15 رکن در پنج بُعد طراحی و پیشنهاد شد.

فاطمه کوشازاده و همکاران ♦ 113

در بخش کمی پژوهش، داده‌ها با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) تجزیه و تحلیل شدند. فرایند تحلیلی سلسله‌مراتبی، یک فرایند عقلانیت نظام‌مند است که ما را قادر می‌سازد به مسئله به عنوان یک کل بنگریم (ساعتی، 1992: 47). این روش یکی از جامع‌ترین سیستم‌های طراحی شده برای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه است؛ زیرا امکان فرموله کردن مسئله را به صورت سلسله‌مراتبی فراهم می‌کند و همچنین امکان در نظر گرفتن معیارهای مختلف کمی و کیفی را دارد. در این روش می‌توان با استفاده از نظرات خبرگان، گزینه‌ها را نسبت به معیارها دو به دو مقایسه و به صورت سلسله‌مراتبی اولویت هر گزینه را تعیین کرد. (بتس، 2012¹)

در نهایت؛ بر اساس اهداف، دانش و تجربه خبرگان برای ابعاد و ارکان مرجعیت علمی دانشگاه با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، ماتریس مقایسات زوجی تشکیل و وزن نسبی آنها تعیین و از نظر اهمیت اولویت بندی شد.

د) یافته‌های پژوهش

1. تجزیه و تحلیل ابعاد

نتایج پژوهش در مجموع نظر خبرگان نشان داد در مقایسات زوجی، ابعاد شاخص ناسازگاری $II=1/12$ و نرخ ناسازگاری $IR=1/1009302$ که تقریباً مساوی $0/10$ است، به دست آمد. در مجموع، در مقایسات زوجی ابعاد نظر خبرگان، سازگاری قابل قبولی وجود دارد. (نرخ ناسازگاری $IR \leq 1/10$ قابل قبول است).

جدول 1: اولویت ابعاد در مجموع نظر خبرگان

اولویت	وزن	ابعاد
1	0/3627459	زمینه‌ای
2	0/2850605	مدیریتی - ساختاری
3	0/1696029	آموزشی
4	0/1123334	پژوهشی
5	0/07025732	سرمایه انسانی

از پنج بُعد مرجعیت علمی، بُعد زمینه‌ای با وزن نسبی $0/3627459$ دارای بیشترین اهمیت است. بُعد سرمایه انسانی مرجعیت علمی با وزن نسبی $0/07025732$ ، دارای کمترین اهمیت است. (جدول 1)

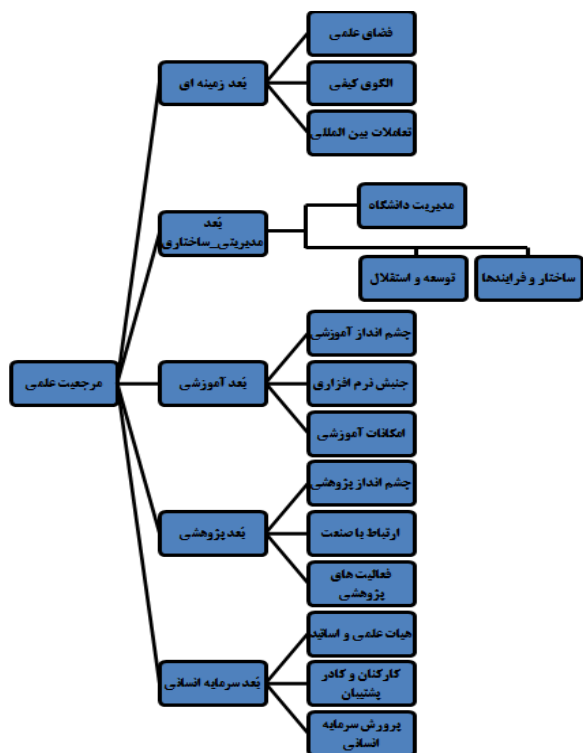
2. تجزیه و تحلیل ارکان

در خصوص 15 رکن مرجعیت علمی نتایج به قرار جدول 2 است.

جدول 2: اولویت ارکان در مجموع نظر خبرگان

اولویت	وزن	ارکان بُعد زمینه ای
1	0/5879838	فضای علمی دانشگاه
2	0/2795724	الگوی کیفی برای موسسات آموزش عالی
3	0/1324438	روابط و تعاملات بین المللی دانشگاه در سطح ملی، منطقه‌ای و بین المللی
اولویت	وزن	ارکان بُعد مدیریتی-ساختاری
1	0/7142857	مدیریت دانشگاه
2	0/1428571	توسعه و استقلال دانشگاه
2	0/1428571	ساختار و فرایندهای کلان دانشگاه
اولویت	وزن	ارکان بُعد آموزشی
1	0/66869689	چشم انداز و اهداف کلان نظام توسعه آموزش دانشگاه
2	0/24310099	جنبش نرم افزاری و مرجعیت علمی بین المللی زبان فارسی و بومی سازی علمی
3	0/08820212	کیفیت و کمیت امکانات و شاخص های آموزشی
اولویت	وزن	ارکان بُعد پژوهشی
1	0/72350606	چشم انداز و اهداف کلان نظام توسعه پژوهش دانشگاه
2	0/19318606	هم افزایی نظام پژوهش با صنعت
3	0/08330788	کیفیت و کمیت فعالیتهای پژوهشی
اولویت	وزن	ارکان بُعد سرمایه انسانی
1	0/61935209	هرم مناسب اعضای هیئت علمی و اساتید
2	0/28422847	ترکیب هرم کارکنان و کادر پشتیبانی دانشگاه
3	0/09641944	پرورش سرمایه انسانی سرآمد علمی هم تراز با دانشمندان جهانی

از سه رکن زیرمجموعه بُعد زمینه‌ای، رکن فضای علمی دانشگاه با وزن نسبی 0/5879838 دارای بیشترین اهمیت است. در بُعد مدیریتی - ساختاری، رکن مدیریت دانشگاه با وزن نسبی 0/7142857 دارای بیشترین اهمیت است. در بُعد آموزشی، رکن چشم‌انداز و اهداف کلان نظام توسعه آموزش دانشگاه با وزن نسبی 0/66869689 دارای بیشترین اهمیت است. در بُعد پژوهشی، رکن چشم‌انداز و اهداف کلان نظام توسعه پژوهش دانشگاه با وزن نسبی 0/72350606 دارای بیشترین اهمیت است. در بُعد سرمایه انسانی نیز رکن هرم مناسب اعضای هیئت علمی و اساتید با وزن نسبی 0/61935209 دارای بیشترین اهمیت است.



شکل 1: مدل مفهومی مرجعیت علمی دانشگاه

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

در راستای تحقق مرجعیت علمی دانشگاه طبق مدل مفهومی استخراج‌شده از پژوهش، سه رکن وجود فضای علمی در دانشگاه، الگوی کیفی برای مؤسسات آموزش عالی کشور و برقراری روابط و تعاملات بین‌المللی دانشگاه در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با مجامع علمی دنیا در زیرمجموعه بُعد زمینه‌ای قرار می‌گیرند.

116 ♦ طراحی مدل مرجعیت علمی دانشگاه: شناسایی ابعاد و ارکان

فضای علمی مناسب، با فرهنگ دانش و پژوهش محوری معنا می‌یابد؛ محیطی که مملو از امید، انگیزه و نشاط علمی است و مهارت و کاربردگرایی، خردورزی و حقیقت‌جویی، پرسشگری و آزاداندیشی به جای سلیقه و مدرک‌گرایی بر آن حاکم است. بین دانشجویان و اساتید دانشگاهی فرهنگ تشریک دانش و کار تیمی برای تبادل آرا و افکار سازنده و نقش‌آفرینی در سطح ملی و جهانی وجود دارد. توسعه تعاملات بین‌المللی و فرامکانی با مراکز فناوری و صنعتی پیشرو و معتبر بین‌المللی در چنین فضای باز علمی مناسب مورد تأکید قرار می‌گیرد. در پژوهش قمی و همکاران (1390) نیز تقویت روحیه انتقادپذیری، ایجاد نشاط علمی و گسترش ارتباط دانشگاه با محافل علمی برتر دنیا، از مهم‌ترین عوامل دستیابی به مرجعیت علمی از نظر خبرگان معرفی شدند.

ارکان زیرمجموعه بُعد مدیریتی - ساختاری شامل مدیریت دانشگاه، توسعه و استقلال دانشگاه، ساختار و فرایندهای کلان دانشگاه است. در این بُعد، داشتن تخصص و سابقه در مدیریت علمی و اجرایی دانشگاه، همسویی و مشارکت اعضای هیئت علمی در تصمیم‌گیری‌ها، عزل و نصب شایسته مدیران در مدیریت دانشگاه مورد تأکید است. استقرار نظام مدیریت دانش و تقویت سازوکارهای توسعه‌ای با تقویت زیرساختهای فناوری اطلاعات و ارتباطات و به‌سازی روندها و فرایندهای جاری آموزشی و پژوهشی و در کل، یکپارچگی ساختاری و فرایندی بخشهای مختلف دانشگاه در حیطه‌های علمی و اجرایی مد نظر است. پژوهش فیاض (1390) نیز توسعه و تقویت استقلال علمی دانشگاه را در الگوی مفهومی مرجعیت علمی مورد تأکید قرار می‌دهد.

سومین بُعد از ابعاد مرجعیت علمی دانشگاه بُعد آموزشی با سه رکن وجود چشم‌انداز و اهداف کلان نظام توسعه آموزش دانشگاه، جنبش نرم‌افزاری و مرجعیت علمی بین‌المللی زبان فارسی و بومی‌سازی علمی در دانشگاه، و کیفیت و کمیت امکانات و شاخصهای آموزشی دانشگاه است.

در این خصوص، وجود نقشه راه، اهداف، برنامه‌ها و اولویتهای توسعه آموزشی و ارائه آموزش توسعه‌یافته در ابعاد کیفی و کمی، حمایت از تأسیس و توسعه رشته زبان فارسی در دانشگاههای جهان، تولید علم بومی - دینی تا رسیدن به استقلال و ارتقای اعتماد به نفس ملی علمی؛ یعنی جهاد علمی تألیفی با هویت و جهت‌بخشی به دانش و متون علمی بر اساس آموزه‌های اسلامی - ایرانی و توسعه تعاملات میان فرهنگی و چند ملیتی و ارائه آموزشهای اثربخش و جذاب منطبق با استانداردهای بین‌المللی مطرح است. حکمت افشار (1392) نیز یکی از راهکارهای احیای رویکرد مرجعیت علمی را بومی‌سازی علم می‌داند.

در زیرمجموعه چهارمین بُعد مرجعیت علمی دانشگاه؛ یعنی بُعد پژوهشی، سه رکن چشم‌انداز و اهداف کلان نظام توسعه پژوهش دانشگاه، هم‌افزایی نظام پژوهش با صنعت، کیفیت و کمیت فعالیتهای پژوهشی قرار می‌گیرد.

دانشگاه و مراکز پژوهشی وابسته به آن می‌بایست همسو با تحولات علمی و ناظر بر نیازهای اولویت‌دار جامعه برای ارتقای توان نوآوری و کارآفرینی، حمایت حداکثری از ارائه نظریات و ثبت اختراعات، اکتشافات و نوآوری‌ها داشته باشند و با انتشار چندزبانه مقالات و تسهیل فرایندها، قوانین و آیین‌نامه‌های پژوهشی دانشگاه و انجام کار گروهی علمی در سطح جهانی که منتج به مقاله و کتب می‌شود، به رشد نرخ نشریات و کتب دانشگاه در نمایه‌های معتبر علمی با استاندارد جهانی کمک کنند. تحقیق قمی و همکاران (1390) نیز اختصاص اعتبارات کافی به طرحهای پژوهشی را یکی از راهکارهای دستیابی به مرجعیت علمی مطرح می‌کند که مؤید این مطلب است.

آخرین بُعد از ابعاد مرجعیت علمی دانشگاه، بُعد سرمایه انسانی است که سه رکن هرم مناسب اعضای هیئت علمی و اساتید، ترکیب هرم کارکنان و کادر پشتیبانی دانشگاه، و پرورش سرمایه انسانی سرآمد علمی هم‌تراز با دانشمندان جهانی را در بر می‌گیرد. در این بُعد، دسترس‌پذیری به منابع انسانی ذی‌صلاح و آموزش‌دیده که پشتوانه‌های نیروی کارشناسی و مطالعاتی در زمینه رصد و تحلیل مرجعیت علمی دانشگاه‌اند و توجه به مغزها و اندیشه‌ها و بهره‌گیری حداکثری از نخبگان و دانشمندان، کارآفرینان موفق و مدیران باتجربه و صاحب‌نظران علم و فناوری، جذب استادان برجسته و بهبود هرم ترکیب نیروی انسانی در راستای ارتقای مهارت‌های آموزشی و پژوهشی، حائز اهمیت است.

استفاده از سازوکارهای انگیزشی مناسب شأن و منزلت صلاحیت حرفه‌ای اساتید نیز از راهکارهای مؤثر است. وجود نظام عملکرد پویا مبتنی بر شرح مشاغل، شایسته‌سالاری، مسئولیت‌پذیری، خلاقیت و همکاری، اینار، همراه با ارائه بازخورد نتایج عملکردی و اقدامات اصلاحی و همچنین همکاری با دانشگاهها و مراکز مطرح ملی و بین‌المللی برای توانمندسازی حرفه‌ای نیز مناسب است. در پژوهش تابان و همکاران (1395/ب) عوامل علی اثرگذار (عوامل انگیزاننده) بر مرجعیت علمی را نظام انگیزش و پاداش، شایسته‌سالاری می‌داند. در پژوهش قمی و همکاران (1390) نیز ارتقای توانمندی‌های همه‌جانبه اعضای هیئت علمی در مجموعه عوامل دستیابی به مرجعیت علمی مورد تأکید است.

در نهایت می‌توان گفت قطب و محور شدن نیازمند بسترسازی، برنامه‌ریزی دقیق و سازماندهی صحیح امکانات و استعدادهاست. به دست آوردن رهبری جامعه علمی دنیا، پایه‌گذاری تمدن نوین اسلامی و تبدیل شدن به قدرت بین‌المللی، لازمه کسب مرجعیت علمی است. دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور با بهره‌مندی از ظرفیتهای بالای خود و مأموریت و رسالتی که پیش رو دارند، باید با تمامی تلاش خود، در بازسازی برنامه‌های آموزشی و به‌سازی برنامه‌های پژوهشی اهتمام ورزند و پیشگام توسعه‌ای هدفمند برای تحقق آرمانهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشند و تلاش کنند تهدیدهای غربی‌ها را به فرصت تبدیل کرده و با فراهم کردن موجبات قطع

118 ♦ طراحی مدل مرجعیت علمی دانشگاه: شناسایی ابعاد و ارکان

وابستگی و شکوفایی علمی، استقلال و خودکفایی کشور را به ارمغان آورند و ایران را در تولید علم، بر قله رفیع پیشرفت و توسعه برسانند.

پیشنهاها

بر اساس یافته‌های پژوهش، در راستای تحقق مرجعیت علمی دانشگاه، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

حوزه آموزشی: نوسازی و تهیه نظام جامع آموزشی دانشگاه، ایجاد نقشه راه و برنامه در راستای سرآمدی در منطقه بر اساس ایده‌های نوآورانه در آموزش، تعیین اهداف و غایت‌های توسعه آموزش، تعیین اولویت‌های آموزشی، انطباق دوره‌های آموزشی، برنامه‌های درسی و محتوای آموزش با نیازهای تخصصی و واقعی کشور، بازنگری برنامه‌های درسی و محتواهای آموزشی براساس مبانی نظری و ارزشی و نگرش اسلامی و مقتضیات ناشی از توسعه علوم و معارف، افزایش توان علمی برخی رشته‌ها برای تبدیل شدن به قطب علمی در کشور، ارتقای مستمر کیفیت علمی آموزشی، بهره‌گیری از فناوری‌های مناسب و روش‌های نوین آموزشی (تدریس و پژوهش)، گذشتن از مرز علوم وارداتی و متون ترجمه‌ای و دست یافتن به تولید علم، انجام تحقیقات نوآورانه و آموزش غنی‌شده همراه با عمل و توسعه همکاری‌های بین دانشگاهی.

حوزه پژوهشی: هدفمند و کاربردی کردن پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی و بهره‌گیری از نتایج و یافته‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در فرایند آموزش، ساماندهی و هدایت پژوهش‌های دانشگاه و مراکز پژوهشی وابسته به دانشگاه به سوی مأموریت‌گرایی، هم‌افزایی، شبکه‌سازی و افزایش سهم آن در اقتدار و سرمایه‌های ملی و انطباق با نیازهای کشور به منظور ایجاد خودکفایی.

حوزه مدیریتی - ساختاری: ارتقای کیفیت مدیریت دانشگاه (ایجاد مدیریت یکپارچه و سیستمی برای تبدیل منابع انسانی به قابلیت‌های انسانی، استقرار نظام شایسته‌سالاری در هرم مدیریت، داشتن تخصص و سابقه در تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی، طراحی سازوکارهایی برای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در مدیریت‌های آموزشی و پرورشی، تقدّم کیفیت بر کمیت برون‌دادها، تخصیص بهینه امتیازات و تسهیلات بر پایه اهداف و نظام ارزشیابی)، افزایش چابکی و انعطاف‌پذیری ساختار اداری، مالی، مدیریتی و اجرایی دانشگاه، ایجاد هماهنگی و یکپارچگی بین بخش‌های مختلف دانشگاه در حیطه علمی و اجرایی و برنامه‌ریزی علمی بر اساس واقعیتها و نیازها.

حوزه سرمایه انسانی: شناسایی، جذب و پرورش نیروهای فرهیخته، متعهد، خودباور، خلاق، توانا در تولید علم و نوآوری متناسب با ارزشهای اسلامی و نیازهای جامعه و تقویت و توانمندسازی دانش‌آموختگان چندبعدی

فاطمه کوشازاده و همکاران ♦ 119

کارآفرین به عنوان نیروی انسانی کارآمد و علاقه‌مند به اعتلای کشور برای ورود به بازار کار، ایجاد مدیریت کشف خلاقیتها و استعدادپروری، جلوگیری از فرار مغزها(جذب نیروهای کیفی تخصصی و توجه به مغزها و اندیشه‌ها).

حوزه عوامل زمینه‌ای: تقویت و توسعه همکاری دانشگاه با دانشگاهها و مراکز علمی و بین‌المللی بزرگ و معتبر جهانی، به ویژه دانشگاههای جهان اسلام، ایجاد شبکه علمی پژوهشی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت تولید دانش و گسترش تمدن ایرانی اسلامی، عضویت دانشگاه در مجامع بین‌المللی و تشکیل اتحادیه دانشجویان و اساتید برای تبادل اطلاعات و همکاری در سطح بین‌الملل.



منابع

- بناهان، مریم و همکاران (1391). «تبیینی از مبانی نظری اندیشه مرجعیت‌زدایی اخلاقی پسااخترگرا و نقد آن». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیستم، دوره جدید، ش 15.
- تابان، محمد و همکاران (1395/الف). «شناسایی مؤلفه‌های مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران با رویکرد داده‌بنیاد». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیستم، ش 67: 182-163.
- تابان، محمد و همکاران (1395/ب). «طراحی و تبیین الگوی مرجعیت علمی در آموزش عالی ایران بر اساس زندگی‌نامه اندیشمندان کشور با رویکرد تحلیل مضمون». مطالعات دانش‌شناسی، دوره دوم، ش 6: 40-20.
- تدین، شبنم (1384). «شناخت، به کارگیری و پرورش نخبگان با رویکرد نوین». مجموعه مقالات دومین کنفرانس توسعه منابع انسانی. تهران: سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، مؤسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی.
- حکمت‌افشار، میترا و همکاران (1392). «احیای رویکرد مرجعیت علمی: دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان». تحقیقات کیفی در علوم سلامت، دوره دوم، ش 2: 125-133.
- خراسانی، اباصلت؛ کوروش فتحی واجارگاه و رضا قنبری (1394). تأملی بر اهمیت کارکرد پژوهشی دانشگاه در روند توسعه علمی و مرجعیت علمی. تهران: انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- داودزاده، علی (1392). بررسی وضعیت اخلاق پژوهشی در تدوین پایان‌نامه‌های دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه های صنعتی سطح تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شهید بهشتی.
- ساعتی، توماس. ال. (1992). تصمیم‌سازی به روش AHP. مترجم علی اصغر توفیق. تهران: مرکز آموزش و تحقیقات-صنعتی ایران.
- سیدجوادین، رضا و محمد تابان (1396). مدیریت توسعه منابع انسانی با رویکرد مرجعیت علمی. تهران: نگاه دانش.
- فیاض، ایراندخت و زهرا افشار کهن (1390). «گذری بر بسترهای فرهنگی تحقق مرجعیت علمی در جهان». مجموعه مقالات همایش ملی آموزش در ایران 1404. تهران: پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت.
- قمی، حبیب‌الله و همکاران (1390). «بررسی عوامل دستیابی به مرجعیت علمی از دیدگاه استادان دانشگاه علوم پزشکی تبریز». افق توسعه آموزش پزشکی، دوره چهارم، ش 3: 53-51.
- قوام‌آبادی، محمدغلام و همکاران (1394). «الگوی مرجعیت علمی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس بیانات مقام معظم رهبری». مطالعات راهبردی بسیج. سال هجدهم، ش 68: 37-5.
- گودرزی، غلامرضا و کمیل رودی (1390). «تبیین مرجعیت علمی برای نهادهای علمی کشور با رویکرد تئوری مفهوم‌سازی بنیادی». سیاست علم و فناوری، سال چهارم، ش 2: 108-75.
- محمدی‌نژاد، بهزاد (1390). مجموعه‌ای برای تحول در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: دفتر پشتیبانی و حمایت آموزش عالی.
- Baldwin, Melinda (2015). **Making “Nature”: The History of a Scientific Journal**. Chicago: Chicago University Press.

- Bentes, Alexandre Veronese & et al. (2012). "Multidimensional Assessment of Organizational Performance: Integrating BSC and AHP". *Journal of Business Research*, 65: 1790-1799.
- Collins, Francis L. & Gill-Sung Park (2016). "Rankings and the Multiplication of Reputation: Reflections from the Frontier of Globalizing Higher Education". *Higher Education*, 72: 115-129.
- Lee, Thomas W. & Steven D. Maurer (1997). "The Retention of Knowledge Workers with The Unfolding Model of Voluntary Turnover". *Human Resource Management Review*, Vol. 7: 247-275.
- Noaman, Amin Y. Abdul Hamid M. Ragab & Ayman I. Madbouly (2015). "Higher Education Quality Assessment Model: Towards Achieving Educational Quality Standard". To link to this article: <http://dx.doi.org/10.1080/03075079.2015.1034262>. Published online: 22 Apr 2015.
- Yonezawa, A. (2013). "Rankings and Information on Japanese Universities". In: P.T.M. Marope, P.J. Wells & E. Hazelkorn (Eds.). *Rankings and Accountability in Higher Education* (P. 171-185). Paris: UNESCO.
- Banahan, M. & et al. (2012). "An Explanation of the Theoretical Foundations of Post-Structural Ethical Decentralization Thought and Its Critique". *Research in Islamic Education*, 20(15).
- Davoodzadeh, A. (2013). "Investigating the situation of research ethics in compiling the dissertations of master's degree students of industrial universities in Tehran" Master Thesis in Management and Higher Education Planning. Faculty of Educational Sciences and Psychology. Shahid Beheshti University.
- Fayyaz, I. & Z. Afshar Kohan (2011). "Crossing the Cultural Bases of Realizing Academic Authority in the World". *National Conference on Education in Iran 1404*. Tehran: Research Institute of Science, Technology, and Industrial.
- Ghavam Abadi, M.Gh. & et al. (2015). "The Pattern of Scientific Authority in the Islamic Republic of Iran Based on the Statements of the Supreme Leader". *Quarterly of Basij Strategic Studies*. 18(68): 5-37.
- Ghomi, H. & et al. (2011). "Investigating the Factors of Achieving Scientific Authority from the Viewpoints of Tabriz University of Medical Sciences Professors". *Horizon of Medical Education Development Horizon*, 4(3): 51-53.
- Goodarzi, Gh. & K. Rudi (2011). "Explanation of Scientific Reference for Scientific Institutions of the Country with Fundamental Conceptual Theory Approach". *Science and Technology Policy*, 4(2): 75-108.
- Hekmat Afshar, M. & et al. (2013). "The Revival of Scientific Authority Approach: Graduate Students' Viewpoints of Golestan University of Medical Sciences". *Qualitative Research in Health Sciences*, 2(2): 125-133.
- Khorasani, A. & K. Fathi Vajargah & R. Ghanbari (2015). *The Importance of University Research Function in the Process of Scientific Development and Scientific Authority*. Tehran: Association for the Development and Promotion of Fundamental Science and Technolpgy.
- Mohammadinejad, B. (2011). *Development in Educational Planning*. Tehran: Higher Education Support Office.

- Satty, T. L. (1992). **AHP decision making**. Translated by Ali Asghar Tawfiq. Tehran: Iran Center for Industrial Education and Research.
- Sayyd Javadin, R. & M. Taban (2017). **Human Resource Development Management with The Approach of Scientific Authority**. Tehran: Negahe Danesh.
- Taban, M. & et al. (2016). "**Designing and Explaining the Model of Scientific Reference in Iranian Higher Education Based on the Biography of Iranian Scholars Using Thematic Analysis Approach**". *Quarterly of Knowledge Studies*, 2(6): 20-40.
- Taban, M. & et al. (2016). "**Identification of Scientific Reference Components in Iranian Higher Education with Data Base Approach**". *Quarterly of Knowledge Studies in The Islamic University*, 20(67): 163-182.
- Tadayon, Sh. (2005). "**Recognizing, Applying and Nurturing the Elite with a New Approach**". *Second Conference on Human Resources Development*. Tehran: Iranian Industrial Development and Renovation Organization, Institute for Productivity and Human Resources Studies.

